

حديقة الرياحين

در ترجمه کلام امیرالمؤمنین علیه السلام

میرمحمدبن ابی طالب حسینی حزینی استرآبادی

تحقیق ابوالفضل حافظیان بابلی

حفظ و ترویج احادیث داشته‌اند. چه بسیار خوش‌نویسان هنرمندی که در طول تاریخ، هنر و استعداد خود را در ترویج بیانات رسول اکرم (ص) و اهل بیت او (ع) به کار بسته‌اند و هم‌چنین ادیبان و شاعران سخن‌پروری که با ذوق و نبوغ شعری خود، معارف قرآنی و روایات دینی را به نظم کشیده و آثاری جاودانه و درخشان از خود به جای گذاشته‌اند.

از میان انبوه ترجمه‌های منظوم احادیث - که متأسفانه اکثر آن‌ها به چاپ نرسیده است - به نظر می‌رسد دو رسالهٔ مائة کلمة جاحظ و نثر اللآلی طبرسی بیش از سایر مجموعه‌های حدیثی مورد توجه شعرا قرار گرفته و ترجمه‌های منظوم متعددی از دو رساله مذکور به زبان فارسی و ترکی به جای مانده است.^۱

حديقة الرياحين

یکی از رساله‌هایی که در زمینهٔ احادیث منظوم سراغ داریم، حديقة الرياحين در ترجمهٔ کلام امیرالمؤمنین (ع) از تألیفات سید محمدبن ابی‌طالب حسینی موسوی استرآبادی متخلص به حزینی، از دانشمندان قرن دهم قمری است.

دیباچه

احادیث منظوم

احادیث حضرات معصومین - علیهم‌السلام - با وجود کوتاهی عبارت، دنیایی از معانی را دربردارند. به گونه‌ای که چون گاه به دلیل رسایی و زیبایی، به عنوان مَثَل از آن‌ها استفاده می‌شود، «کلمات قصار» نام گرفته‌اند.

کلمات کوتاه امیر بیان، حضرت علی (ع) در مجموعه‌های حدیثی متعددی گردآوری شده و جاحظ از نخستین کسانی است که صد کلمهٔ نغز از کلمات آن حضرت را در دفتری گرد آورده است. شریف رضی نیز در بخش سوم نهج‌البلاغه حدود پانصد کلمهٔ قصار را گرد آورده است. هم‌چنین یکی از معروف‌ترین رساله‌هایی که در آن، سخنان کوتاه امام علی (ع) با گزینشی جذاب و تبویبی دل‌نشین گرد آمده، نثر اللآلی از آثار امین‌الاسلام طبرسی است.

بدین ترتیب به همت دانشمندان گوه‌رشناس، دریایی از کلمات حکمت‌آمیز معصومین (ع) در اختیار تشنگان معارف الهی قرار گرفت و در این میان صاحبان ذوق و هنر نیز سهم به‌سزایی در

۱. در این باره رجوع کنید به: «دو ترجمهٔ منظوم از عادل خراسانی» چاپ شده در میراث حدیث شیعه، دفتر اول؛ دانشنامهٔ امام علی (ع)، ج ۱۲، مقالهٔ «صد کلمهٔ جاحظ» و مقالهٔ «نثر اللآلی».

جای گرفته و تاریخ کتابت آن ۹ ذیقعدہ ۱۱۰۰ ثبت شده است. آغاز و انجام این نسخه با نسخه روضاتی برابر است.

۴. نسخه شماره ۸۰۰۹ کتابخانه آیت الله مرعشی - رحمۃ الله علیه - که در فهرست با عنوان ترجمه صد کلمه حضرت علی (ع) معرفی شده و در توضیح کتاب شناسی آمده است: صد گفتار کوتاه حضرت امیرالمؤمنین - علیه السلام - را که جاحظ گرد آورده. در این رساله هر گفتاری به بیتی فارسی ترجمه شده با دیباچه‌ای به نثر.

دانسته است که حدیقة الریاحین نظم صد کلمه جاحظ نیست، بلکه صد کلمه به انتخاب خود استرآبادی در این رساله به نظم کشیده شده است.

نسخه مذکور در سال ۱۰۷۳ قمری کتابت شده و این رساله در هامش برگ‌های اول تا هفتم آن درج شده است.^۴ در تصحیح رساله از نسخه‌های کتابخانه آیت الله گلپایگانی (ره) و کتابخانه آیت الله مرعشی (ره) بهره برده و ضمن آوردن شرح حال ناظم در مقدمه، منابع و مصادر روایات را در انتهای رساله بازگو نموده و اختلافات مهم این دو نسخه را در پاورقی‌ها آورده‌ایم. با این تذکر که این دو نسخه در تقدم و تأخر احادیث با هم اختلافات اندکی داشته‌اند که ذکر تک تک موارد ضرورتی نداشت.

سید محمد بن ابی طالب استرآبادی

دانشمند، فقیه و ادیب و محدث قرن دهم هجری، مرحوم سید امیرمحمد بن ابی طالب موسوی حسینی استرآبادی متخلص به حزینی، معاصر با محقق کرکی و به قولی شاگرد او که از وی اجازه روایت دریافت کرده است.

استرآبادی در رشته‌های مختلف علوم اسلامی، همچون، تفسیر، حدیث، فقه، ادبیات از تخصص کافی برخوردار بوده و در زمینه‌های مذکور تألیفات از خود به جای گذاشته و تخلص شعری وی «حزینی» بوده است.

۱. فهرست مخطوطات مکتبه امیرالمؤمنین (ع)، مخطوط.

۲. نشریه نسخه‌های خطی، دفتر پنجم، ص ۱۴۸، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی ۱۵۹۸/۲.

۳. رضا استادی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله گلپایگانی، ۴۵/۲؛ ابوالفضل عرب زاده، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله گلپایگانی، ص ۲۶۶.

۴. فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۰/۲۱.

استرآبادی در این رساله صد کلمه از کلمات قصار امیرمؤمنان (ع) را برگزیده و هر کلمه را در یک بیت فارسی ترجمه کرده و آن را به محمد سلطان تقدیم کرده است.

چهار نسخه خطی از رساله مذکور تاکنون شناسایی شده است:

۱. نسخه مکتبه امیرالمؤمنین (ع) در نجف اشرف، که استاد فقید، مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی آن را به شماره ۱۷۹۲ در فهرست مکتبه مذکور چنین معرفی کرده است:

«حدیقة الریاحین فی ترجمه کلام امیرالمؤمنین (ع) للسید الجلیل الفقیه السید محمد بن ابی طالب الموسوی الاسترآبادی، من أعلام القرن العاشر و من تلامذة المحقق الکرکی و شارح جعفریته فی الفقه؛ سماه المطالب المظفریة. و قد جمع فی هذا الكتاب مائة کلمة من قصار کلمات امیرالمؤمنین - علیه السلام - ثم ترجم کلاً منها بیت من شعر بالفارسیة و أظن ان الکلمات المائة من جمعه و اختیاره هو أيضاً و انها لیست مائة کلمة التي جمعها الجاحظ و ترجمها جمع نظماً و نثراً و شرحها آخرون فتلاحظ... و بأول الكتاب خطبة ممزوجة بنظم و نثر، أوله:

زبان بگشا به تحمید الهی

کان بهتر تو را از هرچه خواهی

و آخر ابیاته:

از این شکوه حزین را دل و جان

قرین غم شد و اندوه و افغان

فیظهر منه أنه یتقلب فی شعره بحزین»^۱

این نسخه به خط نسخ در قرن سیزدهم قمری کتابت شده و به ضمیمه آن، ترجمه و شرح خطبه البیان است که محتملاً آن هم از تألیفات استرآبادی است.

۲. نسخه کتابخانه آیت الله روضاتی در اصفهان. استاد روضاتی ضمن مقاله‌ای در دفتر پنجم نشریه نسخه‌های خطی چند مجموعه خطی از مکتبه خود را معرفی کردند؛ از جمله مجموعه‌ای از قرن دوازدهم هجری که رساله پنجم آن «حدیقة الریاحین» است.^۲

۳. نسخه کتابخانه آیت الله گلپایگانی - قدس سره - در قم که معرفی آن در جلد دوم فهرست کتابخانه مذکور به شماره ۱۴۸۴ آمده و بار دیگر در فهرست جدید آن کتابخانه به شماره ۲۵/۱۷۷ معرفی شده است.^۳ این نسخه شامل چند رساله است و حدیقة الریاحین، در برگ‌های ۲۴ تا ۲۸ نسخه مذکور

بسم الله الرحمن الرحيم

زبان بخت بچید آهری که آن بهتر از یادنی‌ها صدی هجری از بر که کار تا نداری مغز بخت ز غفارت
 همان کاری که جوش افتخار است خفاش نضرت و فتح و فلاح است زبانت زین نعم که هوران
 و علمان ریاض ز سماع و سماع آن در رقص آید و خوشترین زمره که عدلیان کلتان آنست چون
 طوطیان شکرستان قدس آن ترنم نمایند صدی خمید افزید کار پست که افلاک دایره و کواکب بهره
 دلایل قدرت قاهره و شواهد حکمت با بهره اوست نظم سپایش را همیشه با شش جویا
 زبانت را بجز در آن کوکبا خداوند که او از کلک قدرت نکند این نقشه با بلوغ فطرت
 ز کوی نبی جودش جهان را برون آورد هست داد آنرا تا شهرت با آن فلام در که او
 طلبکاران اسفاک ره او تا آنکه آمد محمد که او برابر اب دانش و اصحابش پس پویشید و پنهان نیست
 که مطبوع ترین نقشه که نشان کارخانه آهرسان در لهارا با آن پارایند و نیکوترین موانی که مصوران
 بدایع اشکال صحیفه جان را تصویر آن تخمین و تزیین نمایند نقش محبت خاتم انبیا و صورت مهر و مودت
 خانان سیدنا صفیات نقش مهر مهرش نقد جازا منقش ساز و آرایش کن آنرا نظر نایبتم
 محمد در دیار خلافت که بروی چشم حکم زبات شهنامه سریر قابوسن تا جیبی ز وساطت کوه
 سوار چاکان سارکنا بیخ عرصه آتفا تا امین و محرم امر را او جو تا نسیم گلشن سوس و طم
 شمع اولین و آخرین اوست خدای رحمت للعالمین اوست در رود مصطفی از اصل دین است سعادت نماید که
 درودش را ز دل ورد زبان کن
 بجان مردم نثار خاندان کن
 علام خاندان مصطفی
 سزاوار درود و نعت محمد
 براه دین عباد خاک با پایش
 محمد باشد و آل محمد
 پس ترا همان بهتر که مردم جوهر تلبهات در معدن اخلاصت پرورش پذیرفته و لای صلوب
 که در صید صغیرت صفایافته نثار روح مطهر و بدیدر تقابل آن منعطف سرور و بر

مولانا محمد بن ابی طالب الاسترآبادی...^۲
 میرزا عبدالله افندی اصفهانی در ریاض العلماء
 نام استرآبادی را در شمار شاگردان محقق کرکی
 آورده و از تألیفات او شرح الجعفریة و ترجمه نفحات
 اللاهوت را نام برده است.^۳

استاد سید احمد حسینی در تراجم الرجال شرح
 حال مختصر و سودمندی از امیر محمد استرآبادی
 آورده است، بدین عبارت:
 «فاضل جامع لأطراف العلوم الدینیة أديب
 حسن الكتابة والشعر بالفارسیة و كان يتخلص في
 شعره بحزینی، شدید الولاء لأهل بیت - علیهم
 السلام - قدم أكثر كتبه إلى الشاه طهماسب الصفوی
 مع تعظیم كثير له و من شعر قوله:

از بُعد دلایل الهی
 با شرح و بیان آن کماهی
 معلوم شدت کمال آن شه
 کز رفعت او شدی تو آگه
 یعنی که علی ذی المعالی
 دین پرور و سرور و اعالی
 غواص لآلی معارف
 نقاد جواهر عوارف
 لطف حق و مظهر عجایب
 مستظهر مظهر غرایب
 آن کس که به او کند تولا
 مؤمن بود و ز اهل تقوی
 صد بار اگر کنی تولا
 مؤمن نشوی تویی تبرا...»

سپس پنج کتاب از تألیفات استرآبادی را نام می‌برد.^۴
 به جهت اهمیت اجازه‌ای که محقق کرکی برای استرآبادی
 نگاشته، متن اجازه را در این جا نقل می‌کنیم.

این اجازه را سید حبیب‌الله کاشانی در لباب الالقاب آورده
 و محقق گرامی، شیخ محمد حسون در ضمن اجازات محقق

محقق ثانی، علی بن عبدالعالی کرکی (۹۴۰ ق) صاحب جامع
 المقاصد، در اجازه‌ی روایتی که برای استرآبادی به تاریخ ۱۷
 ربیع‌الاول ۹۲۵ در نجف اشرف نگاشته در وصف او می‌گوید:
 «ان مولی الأجل الأعلم الأعظم العالم العامل الكامل أوحده
 العلماء فی الزمان قدوة الفضلاء المحققین فی الأيام الشیخ
 شمس‌الدین ابا عبدالله محمد بن ابی طالب الاسترآبادی ادام‌الله
 تعالی برکات علومه بین الانام...»^۱

حسین بن حیدر کرکی (ره) از مشایخ ملا محمد تقی
 مجلسی (ره) (۱۰۷۰ ق) درباره‌ی استرآبادی می‌نویسد: «المولی
 المحقق الأفضل الأكمل خاصة المتأخرین و زینة المتبحرین

۱. لباب الالقاب، ۳۸.

۲. الذریعة، ۵۹/۲۴؛ طبقات اعلام الشیعة، احیاء الدائر من القرن العاشر، ۲۰۶.

۳. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ۴۴۲/۳.

۴. تراجم الرجال (چهار جلدی) ۳۵۷/۲.

من سنة خمس و عشرين و تسعمائة، حامداً، مصلياً على رسوله محمد و آله.

تالیفات سید محمد استرآبادی

از تالیفات استرآبادی به دست می‌آید که او در علوم مختلف تبحر داشته و در رشته‌های گوناگون صاحب نظر بوده و قلم زده و آثاری از خود به جای گذاشته است. آشنایی وی با تفسیر، حدیث، فقه، ادبیات و آثار باقی مانده از او در این زمینه‌ها، چهرهٔ یک دانشمند جامع و صاحب کمالات را از وی ترسیم می‌کند.

فهرست اجمالی تالیفات استرآبادی - بر طبق تفحص ما در منابع کتاب‌شناسی و فهرس نسخ خطی - از این قرار است:

۱. اجازه، بی‌شک مرحوم استرآبادی شاگردانی داشته و طبعاً به عده‌ای از آنان اجازهٔ روایت نیز داده است، اما آنچه از اجازات وی به‌جا مانده، اجازات است که در ظهیر نسخه‌ای از جواهر الکلمات عطاء الله رستمداری، برای سید قطب‌الدین احمد بن شمس‌الدین محمد تادوانی در غرهٔ جمادی الثانی ۹۲۲ نگاشته و نسخهٔ مذکور به روایت مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی رسیده است.^۳

۲. ترجمه و شرح خطبة البیان، خطبةٔ مذکور منسوب به امیرمؤمنان، علی (ع) است، ولی در نهج البلاغه ذکر نشده است؛ شروع و ترجمه‌های متعددی دارد، از جمله ترجمهٔ منظوم که نسخهٔ خطی آن به شمارهٔ ۱۷۹۲ به همراه حدیقهٔ الریاحین در مکتبهٔ امیرالمومنین در نجف موجود است. استاد فقید، سید عبدالعزیز طباطبائی (ره) در فهرست مکتبهٔ مذکور، احتمال داده که ترجمهٔ مورد بحث از سید محمد بن ابی طالب موسوی استرآبادی باشد.^۴

۳. ترجمه مائة کلمة جاحظ، صد کلمه از کلمات حضرت علی (ع) است که جاحظ آن را گرد آورده و بسیاری از اهل ادب به فارسی ترجمه نشر و نظم نموده‌اند؛ از جمله مرحوم استرآبادی آن را به نظم فارسی ترجمه کرده است.^۵

کرکی متن آن را نقل نموده است.^۱

آقای دانش‌پژوه در فهرست دانشگاه تهران یادآور شده که عبدالعالی فرزند محقق کرکی به واسطه میرمحمد استرآبادی از پدرش روایت می‌نمود.^۲

اجازهٔ محقق کرکی به سید محمد استرآبادی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله، و سلام علی عباده الذین اصطفی، خصوصاً علی حبیبه محمد و آله اهل الشرف و الوفاء.

و بعد، فإن المولى الأجل، الأعمم الأعظم العالم العامل الكامل، أوحى العلماء في الزمان، قدوة الفضلاء المحققين في الأيام، الشيخ شمس‌الدین أبا عبدالله محمد بن أبی طالب الأسترآبادی - ادام الله تعالی برکات علومه بین الأنام إلى يوم القيامة بمحمد و آله البررة الكرام.

قد تشرف هذا السعيد الضعيف بمخالطته من مدة مديدة، و في خلال ذلك جرت المذاكرة معه لكثير من المباحث الدينية و المسائل الشرعية، و اكثر ذلك بالسماع لقراءة غيره من الفضلاء. فمما سمعه علي هذا الكتاب، و هو إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، من مصنفات مولانا و شيخنا، شيخ الإسلام، فقيه أهل البيت - عليهم السلام - بحر العلوم، جمال‌الدین أبی منصور الحسن بن یوسف بن المطهر الحلبي - قدس الله روحه الطاهرة - من أوله إلى آخره، في مجالس معدودة قراءة تضمنت تنقيح كثير من مباحث الكتاب، و بیان جملة من النکات.

وقد استخرتُ الله و أجبْتُ ملتتمسه في اثبات هذه الكلمات، معترفاً إليه مما انا عليه من القصور و التقصير، معترفاً بأنه أجل من أن يكتب مثلي لمثله.

فأجزت له - أدام الله تعالیه - رواية الكتاب المذكور، و كذا باقي مصنفات مصنفه و مروياته من مقروءات و مسموعات و مجازات عني، بالأسانيد التي لي إليه علی تشعبها، و الحوالة في تعيينها علی مظانها.

و كذا أجزت له رواية جميع ما يجوز لي و عنه روايته في جميع أصناف العلوم، و ما أملاه قلم العجز و التقصير من كتاب و رسالة، و غيرهما من القيود و الفوائد و الحواشي. و أطلقت له الإذن في إفادة ذلك الطالبين و السائلين، فليرو ذلك كما شاء و أحب.

و أنا العبد الفقير علي بن عبدالعالی، بالمشهد المقدس الغروي - علی مشرفه الصلاة و السلام - في سابع شهر ربيع الأول

۱. لباب اللغاب، ۳۸؛ میراث حدیث شیعه، دفتر اول، مقاله اجازات محقق کرکی، ص ۳۴۶ و ۳۴۷.

۲. فهرست دانشگاه تهران، ۲۰۴۶/۵.

۳. الذریعه، ۱/۲۲۹ و ۱۲۰۲ و ۲۷۸/۵ رقم ۱۳۰۴.

۴. تراثنا، ۱۳۷/۶۱؛ تراجم الرجال، ۳۵۷/۲.

۵. الذریعه، ۱۳۲/۴.

اما آنچه به عنوان ترجمه صد کلمه جاحظ در فهرست کتابخانه آیت‌الله مرعشی معرفی شده،^۱ همان حدیقه الریاحین است که ربطی به صد کلمه جاحظ ندارد. و آغاز ترجمه صد کلمه جاحظ که در الذریعه نقل شده، ظاهراً همان آغاز حدیقه الریاحین است.

۴. ترجمه نفحات اللاهوت فی لعن الجبت و الطاغوت، متن عربی از تألیفات محقق کرکی (۹۴۰ ق) است در بیان فضایح دشمنان آل محمد - صلی‌الله علیه و آله - و غاصبان خلافت ایشان که در ۹۱۷ قمری تألیف شده است.^۲ ترجمه لفظ به لفظ و شیوای استرآبادی از رساله مذکور به نام یکی از پادشاهان صفوی انجام یافته است و نسخه‌های متعددی از آن سراغ داریم؛ از جمله نسخه کتابخانه آستانه حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) در شهر ری که در روز دوشنبه ۱۹ جمادی الثانی ۹۵۱ کتابت شده و در اول ذیقعه ۱۰۳۷ این نسخه را شاه عباس صفوی وقف حرم حضرت عبدالعظیم (ع) کرده است.^۳ از این رساله چند نسخه دیگر نیز سراغ داریم از جمله دو نسخه به شماره‌های ۱۹۷۷ و ۵۶۷۳ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی، از آن موجود است.^۴

آغاز رساله: سپاس بی‌قیاس لایق خالق است که محبان آگاه و مخلصان درگاه....

۵. تفسیر آیه الکرسی، تفسیر مختصر فارسی است در یک مقدمه و ده فصل و یک خاتمه، به نام شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ق) که نسخه‌ای از آن در کتابخانه مدرسه سپه سالار تهران به شماره ۷۵۴۹ موجود است.^۵ نسخه مذکور در قرن دهم قمری کتابت شده است.

آغاز رساله: چون ابواب تزیید انعام الهی و انفال خزاین فیض نامتناهی....^۶

۶. حدایق الیقین فی فضائل امام المتقین، استاد سید احمد حسینی در تراجم الرجال کتاب مذکور را ضمن تألیفات سید محمد استرآبادی برشمرده است.^۷

۷. حدیقه الریاحین، صد کلمه از کلمات قصار حضرت (ع) به انتخاب استرآبادی در این رساله گردآوری و هر کلمه در یک بیت فارسی ترجمه شده است. چهار نسخه از این رساله سراغ داریم. درباره این رساله بحث مستقلاً کرده و نسخه‌های آن را شناسانده‌ایم.

۸. سرور نساء در فضایل فاطمه زهرا سلام‌الله علیها، نام این کتاب

نیز در تراجم الرجال جزو تألیفات استرآبادی درج شده است.^۸
۹. شرح دعای صنمی قریش، این دعا منسوب به امیرمؤمنان علی (ع) است و در آن، رنج‌ها و مصائبی که در طول سی سال پس از رحلت رسول اکرم - صلی‌الله علیه و آله - بر امام علی (ع) و جامعه اسلامی رفته، بیان شده است. شروح و ترجمه‌های متعددی بر این دعا نگاشته شده که معرفی برخی از آن‌ها در الذریعه آمده است.^۹

استرآبادی نیز این دعا را به فارسی شرح داده که نسخه‌ای از آن در کتابخانه آستانه حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) موجود است.^{۱۰} این نسخه در سال ۱۰۳۶ قمری کتابت شده و متأسفانه آغاز رساله افتاده است.

شرح رساله جعفریه = المطالب المظفریه.

۱۰. شرح نجات العباد فی المبدأ و المال، شرح فرجی عربی است بر متنی به عربی که خود او در علم کلام نگاشته است. نسخه‌ای از این شرح در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۷۵۴ موجود است که در ۹۷۷ قمری کتابت شده است.^{۱۱} این نسخه به خط محمد بن علی بن مرتضی حسینی استرآبادی است. آغاز رساله: الحمد هو الثناء القولی علی الجمیل الاختیاری.

۱۱. المطالب المظفریه فی شرح الرساله الجعفریه،^{۱۲} شرح فرجی و استدلالی است بر رساله الجعفریه محقق کرکی در بیان واجبات و مستحبات نماز، که در زمان حیات کرکی این شرح به نام سیف‌الدین بن مظفر بتکچی جرجانی نگاشته شده است. در برخی از نسخه‌ها شارح ملا ابی طالب اصفهانی معرفی شده و در کشف الحجب این شرح از شیخ علی بن عبدالعالی عیسی دانسته شده است.

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۰/۲۱ نسخه شماره ۸۰۰۹.
۲. التراث العربی، ۳۸۰/۵؛ الذریعه، ۲۵۰/۲۴.
۳. نشریه نسخه‌های خطی، دفتر سوم، ص ۶۶ و ۴۲۸.
۴. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۳۵۰/۵ و ۷۲/۱۵؛ الذریعه، ۲۰۴/۲۶ و ۱۴۳/۴.
۵. فهرست کتابخانه مدرسه سپه سالار، ۴۶۰/۳.
۶. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی ۲۴/۱.
۷. تراجم الرجال (چهار جلدی) ۳۵۷/۲.
۸. تراجم الرجال، ۳۵۷/۲.
۹. الذریعه، ۲۵۶/۱۳.
۱۰. نشریه نسخه‌های خطی، دفتر سوم ص ۴۳۸.
۱۱. الذریعه، ۱۰۲/۱۴ و ۵۹/۲۴؛ فهرست الفبایی کتب خطی آستان قدس رضوی ۳۶۶.
۱۲. الذریعه، ۱۷۴/۱۳ و ۱۷۶ و ۱۴۰/۲۱.

زیباترین نغمه‌ای که حوران و غلمان ریاض از سماع و استماع آن در رقص آیند، و خوش‌ترین زمزمه‌ای که عندلیبان گلستان انس، چون طوطیان شکرستان قدس به آن ترنم نمایند، صدای تحمید آفریدگاری است که افلاک دائره و کواکب زاهره دلایل قدرت قاهره و شواهد حکمت باهره اوست، نظم:

سپاسش را همیشه باش جويا
زبان‌ت را بحمدش دار گویا
خداوندی که او از کلک قدرت
کشید این نقش‌ها بر لوح فطرت
ز کوی نیستی جودش جهان را
برون آورد هستی داد آن را
شهنشاهان غلام درگه او
طلبکاران همه خاک ره او

فحماًدُ ثمَّ حمداً له. و بر ارباب دانش و اصحاب بینش پوشیده و پنهان نیست که مطبوع‌ترین نقشی که نقاشان کارخانه الهی مساکن دل‌ها را به آن بیارایند، و نیکوترین صورتی که مصوران بدایع اشکال صحیفه جان را به تصویر آن تحسین و تزیین نمایند، نقش محبت خاتم انبیاء و صورت مهر و مودت خاندان سید اصفیاست. به نقش مهر مهرش نقد جان را منقش ساز و آرایش کن آن را، نظم:

محمد دُر دریای جلالت
که بر وی ختم شد حکم رسالت
شهنشاه سریر قاب قوسین
حبیب ایزد و سلطان کونین
سوار چابک میدان اسرا
شجاع عرصه انا فتحننا
امین و محرم اسرار اوحی
نسیم گلشن یس و طه
شفیع اولین و آخرین اوست
خدا را رحمة للعالمین اوست

۱. فهرست النبای کتب خطی آستان قدس رضوی، ۵۲۶؛ التراث العربی، ۱۲۱/۵؛
قدیمی‌ترین نسخه این کتاب در کتابخانه آستان قدس رضوی در ۹۳۷ قمری
کتابت شده است. از این کتاب نسخه‌های فراوانی در کتابخانه‌های مختلف
موجود است.

۲. الذریعه، ۵۹/۲۴.

۳. همان، ۱۰۲/۱۴.

۴. التراث العربی، ۴۲۱/۳.

پانزده نسخه از این کتاب در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد و نه نسخه در کتابخانه آیت‌الله مرعشی (ره) در قم موجود است.^۱

آغاز رساله: الحمد لله الذی فضلنا علی سائر الامم بأعدل الادیان و وضع لنا شرائع الاسلام.

۱۲. نجات العباد فی المبدأ و المعاد،^۲ متنی است به عربی در علم کلام و اصول دین شامل شش فصل که مؤلف، خود شرحی بر آن نگاشته است.^۳ نسخه‌ای از این رساله در مکتبه فراهانی بوده و شیخ آقا بزرگ تهرانی (ره) در ظهر آن، خط حسین بن حیدر کرکی (از مشایخ مجلسی اول) را ملاحظه کرده که نوشته بود: تألیف المولی المحقق الأفضل الأکمل خاصة المتأخرین و زینة المتبحرین مولانا محمد بن ابی طالب الاسترآبادی - نغمه‌الله بغفرانه - و کتب ذلك صاحبه و مستکته... الحسین بن حیدر الکرکی...

آغاز رساله: الحمد لله الذی رفع السماوات بغير عمد... فهذه و جیزة فی المبدأ و المعاد مسماة بنجاة العباد.

گفتنی است که در التراث العربی فی خزانه مخطوطات مکتبه آیه‌الله المرعشی کتابی به عنوان «شرح نجات العباد فی معرفة المبدأ و المعاد» از سید حسین بن حیدر کرکی عاملی معرفی شده که در شرح نجات العباد محمد بن ابی طالب استرآبادی است،^۴ اما آغاز نقل شده از آن مطابق و برابر با آغاز شرح خود استرآبادی است که معرفی آن را آوردیم.

محتمل است که سید حسین کرکی نسخه‌ای از شرح استرآبادی را به خط خود کتابت کرده باشد و یا این که کرکی شرح مستقلی بر نجات العباد نگاشته باشد، که اثبات هر یک از احتمال‌های مذکور نیاز به بررسی بیشتر و مقابله دو نسخه از شرح استرآبادی کرکی دارد.

حدیقه الریاحین

بسم الله الرحمن الرحيم

زبان بگشا به تحمید الهی
که آن بهتر تو را از پادشاهی
صدای حمد حق از هر گنه کار
ندای مغفرت بخشد ز غفار
هر آن‌کاری که حمدش افتتاح است
ختمش نصرت و فتح و فلاح است

درود مصطفی از اصل دین است
سعادت‌های دیگر فرع این است
درودش را ز دل ورد زبان کن
به جان هر دم ثنای خاندان کن
غلام خاندان مصطفی باش
به راه دین علی را خاک پا باش
سزاوار درود و نعت بی‌حد
محمد باشد و آل محمد

پس تو را همان بهتر که در هر دم جواهر تسلیمات در
معدن اخلاصت پرورش پذیرفته و لآلی صلوات که در صدف
ضمیرت صفا یافته، نثار روح مطهر و هدیه قالب معطر آن
سرور دین پرور و اهل بیت اقدس اطهر او گردانی - صلوات‌الله
و سلامه علیه و علی المقربین بحضرت‌ه ولدیه.^۱
و بعد از سپاس و تحمید الهی و درود حضرت رسالت
پناهی، چنین گوید محرر این سطور و مقرر این مسطور،
خاک‌نشین سده علیه علویه و ملازم عتبه سنیه غرویه، پیر
گدای درگاه ذوالفضل و العطیه، اسیر سلسله گناه و مجیب
موجب مسئله «توبوا إلى الله»، نظم:

غلام و چاکر درگاه شاهی
که جز درگاه او نبود پناهی
گنه کار غریق بحر عصیان
گرفتار هوای نفس و شیطان

اقل عبادالله محمد بن ابی‌طالب الاسترآبادی - من‌الله علیه
بحسن التوفیق فانه خیر جلیس و اوفق رفیق - که این صد کلمه‌ای
است در مواعظ و نصایح منقول از طوطی شکرستان معارف
و مصالح، مظهر عجایب و مظهر غرایب، پادشاه تخت سلونی
و وارث مرتبه هارونی، اسدالله الغالب امیرالمؤمنین علی بن
ابی‌طالب - علیه الصلوة والسلام - که هر کلمه از این گفتار
دری است شاهوار که غواص فکرت شاهی از تیار بحار حکمت
الهی استخراج نموده و در مطاوی الفاظ یسیره ادراج معانی کثیره
فرموده است. بس خوشحال آن نیک بخت روشن دل و آن طالب
مستحصل که این ذر معانی را در گوش هوش کشد تا به ملاحظه
آن متخلق به اخلاق حمیده و متصف به صفات پسندیده گردد.

و چون استفاده اکثر اخوان و اطلاع و معظم خلان
موقوف به تفریس این کلمات شریفه و ترجمه این مقالات
منیفه بود، پس از جهت این، فقیر حقیر به تفریس آن اقدام

و اقبال نمود و بنا بر مضمون «جَوْدَةُ الْكَلَامِ فِي الْاِخْتِصَارِ» که
یکی از این مقالات شریفه است، مضمون هر یک کلمه از این
صد کلمه را در ضمن یک بیت ادا کرد و این رساله را معنون
به حدیقه الریاحین در ترجمه کلام امیرالمؤمنین گردانید.

و این نصایح علویه و مواعظ مرتضویه تحفه مجلس عالی
و هدیه متعالی حضرت عالی جاه، سعادت سپاه نصرت پناه
صولت سحاب شوکت حاتم کیوان رفعت مشتری طلعت اعیان
العین و عین الاعیان شمس الفلک الرفعه و الحشمه و العظمه
و المعالی نورالعیون الاقاصی و الادانی و الامالی محمد سلطان
- خلدت رفعت و ابدت شوکته - مجعول شد تا از برکات
انفاس شاه اولیا و سرور اوصیا مجلس محترم و محفل محتشم
چون روضه جنان به نسایم راحت‌رسان و به روایح عنبرفشان
پیوسته خجسته و مزین و آراسته گردد.

و امید چنان است که همیشه دماغ هوشیاران از بوی
گلشن این حدیقه معطر و خوش‌بو و غنچه مراد امیدواران از
نسیم این بوستان شکفته و خرم و نیکو گردد. واللّه الموفق
و الیه المصیر نعم المولی و نعم النصیر.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱. قال امیرالمؤمنین و امام المتقین علی بن ابی‌طالب:

چنین فرموده سلطان هدایت

امیرالمؤمنین شاه ولایت

۲. أَنَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ.

منم سلطان دین و شاه مردان

امام و پیشوای اهل ایمان

۳. لَوْ أَحْبَبَنِي جَبَلٌ لَتَهَافَّتْ.

اگر کوهی به من ورزد محبت

فرو ریزد ز هم از سنگ محنت

۴. ثَبَاتُ الْمُلْكِ بِالْعَدْلِ.

دوام ملک و جاه و پادشاهی

به انصاف است و عدل و نیک‌خواهی

۵. مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ بَيْدَهُ.

لوی رأی خیر آن‌کس برافراشت

که سر خویش از مردم نهان داشت

۱. نسخه مرعشی خطبه رساله را تا این‌جا فاقد است و خطبه را از روی نسخه
گلبایگانی نقل کردیم.

۶. آله الریاسة سعة الصدر.
به صبر و حلم و خوش خویی توانی
که یابی سروری و کامرانی
۷. الدنيا دار ممر لا دار ممر.
گذرگاهی است این دنیای فانی
مجو در وی حیات جاودانی
۸. اذا تغير السلطان تغير الزمان.
زمان دایر بود بر رأی سلطان
گر آن دارای شر باشد گر احسان
۹. قارن اهل الخیر تكن منهم.^۱
به نیکان کن همیشه هم نشینی
که از نیکان شوی و نیک بینی
۱۰. الحدة ضرب من الجنون.
به نزد عقل تندی از جنون است
مکن تندی که از حکمت برون است
۱۱. من اطلال الأمل ساء العمل.
حذر کن زینهار از طول آمال
که هست آن موجب تقصیر اعمال
۱۲. نور قبرك بالصلوة في ظلمة.
نمازت در شب تاریک نور است
چراغ روشن زندان کور است
۱۳. هلاك المرء في العجب.
تکبر و صف ابلیس لعین است
هلاک آدمی حقا از این است
۱۴. وضع الاحسان في غير محله ظلم.
هر آن احسان که وضعش در محل نیست
مخوان احسان که جز ظلم و ذلل نیست
۱۵. حَفَّ اللهُ تَأْمَنُ غَيْرَهُ.
اگر داری ز باری ترس کاری
ز مکر دیگران باکی نداری
۱۶. غلام عاقل خیر من شیخ جاهل.
جوان عاقل دانا به از پیر
که نادان باشد و خالی ز تدبیر
۱۷. فَعَلَ الْمَرْءُ دَلِيلُ أَصْلِهِ.
هر آن شخصی که اصلش را ندانی
ز فعلش حل این مشکل توانی
۱۸. بلاء الانسان من اللسان.
بلای آدمی چون از زبان است
زبان درکش که آسایش در آن است
۱۹. كَفَىٰ هَمًّا عِلْمُكَ بِالْمَوْتِ.
همینت بس ز غم های زمانه
که تیر مرگ را هستی نشانه
۲۰. تَدَارَكُ فِي آخِرِ الْعُمْرِ مَفَاتٍ فِي أَوَّلِهِ.
نکردی چون که خیری در جوانی
به پیری کن تلافی گر توانی
۲۱. سُورُوكَ فِي الدُّنْيَا غُرُورٌ.
به دنیا شادمانی از غرور است
غرور از عاقلان بسیار دور است
۲۲. لَا وَفَاءَ لِمَنْ لَا أَصْلَ لَهُ.
ز بد اصلان مجو رسم وفا را
نصیحت گوش کن از من خدا را
۲۳. مِرَارَةُ الْيَأْسِ خَيْرٌ مِنَ الطَّلَبِ فِي النَّاسِ.
تورا تلخی نومیدی چشیدن
به از خلق جهان منت کشیدن
۲۴. تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ يَكْفَلْ.
هر آن کس کو توکل بر خدا کرد
خدا اغراض و حاجاتش روا کرد
۲۵. بَطْنُ الْمَرْءِ عَدُوهُ.
نخواهد خیر خود مرد شکم دوست
نداند بی خرد کو دشمن اوست
۲۶. ذُلُّ الْمَرْءِ فِي الطَّمَعِ.
طمع خوارت کند در چشم مردم
طمع نام و نشانت می کند گم
۲۷. مَا أَقْبَحَ الْخُضُوعُ عِنْدَ الْحَاجَةِ.
تواضع وقت حاجت سخت زشت است
نه انسانی اگر اینت سرشت است
۲۸. تَكَاسَلُ الْمَرْءِ فِي الصَّلَاةِ مِنْ ضَعْفِ الْإِيمَانِ.
تهاون در نماز از هر مسلمان
بود از سستی اسلام و ایمان

۴۱. تَرَكُ الذَّنْبِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ.

تو را ترک معاصی و مکاره
بود از توبه بعد از گناه به
۴۲. تَقَالَ بِالْخَيْرِ تَنَلُهُ.

تفأل کن به نیکی در همه کار
کز آن اقبال می‌یابی نه ادبار
۴۳. آدَاءُ الدِّينِ مِنَ الدِّينِ

اگر در دین مردم بد ادایی
یقین می‌دان که از دین بینوایی
۴۴. قَسْوَةُ الْقَلْبِ مِنَ الشَّيْخِ.

ز سیری سخت دل گردی مخور پر
که این سیرت بدست و نیست در خور
۴۵. جَوْدَةُ الْكَلَامِ فِي الْاِخْتِصَارِ.

کلام مختصر مقبول و زیباست
سخن کوتاه کن کان دأب داناست
۴۶. حَوْفُ اللَّهِ يَجْلِي الْقَلْبَ.

دلت کز زنگ غفلت زنگ دار است
جلای آن به ترس کردگار است
۴۷. بَشْرُ نَفْسِكَ بِالظَّفْرِ بَعْدَ الصَّبْرِ.

درخت صبر را باشد ظفر بار
بچش ز آن میوه شیرین ازین دار
۴۸. كَافِرٌ سَخِيٌّ أَرْجَى مِنْ مُسْلِمٍ شَحِيحٍ.

به جنت کافر بخشنده ارجاست
از آن مسلم که حرص و بخل او راست
۴۹. كُفْرَانُ النِّعْمَةِ مُزِيلُهَا.

به شکر نعمت حق باش قایل
که انکارش کند آن از تو زایل
۵۰. تَنَّ إِحْسَانَكَ بِالْإِعْتِدَارِ.

گرت مفرد بود احسان و حسنی
به حسن معذرت سازش مثنی
۵۱. أَحْوَكُ مَنْ وَاسَاكَ فِي الشِّدَّةِ.

برادر شد تو را آن کس که در غم
شریکت شد به درد و یار همدم
۵۲. إِيَّاكَ أَنْ تَذَكَّرَ مِنَ الْكَلَامِ مَا يَكُونُ مُضْحِكًا.

مخندان مردمان را از کلامت
کزان گریان شوی روز قیامت

۲۹. كَفَى بِالْمَوْتِ وَاِعْظًا.

تو را واعظ همین مرگ تو کافی است
به نزد هوشمند این نکته وافی است
۳۰. الْغَالِبُ بِالشَّرِّ مَغْلُوبٌ.

گرت امروز غالب شد ستمگر
تو بر وی غالبی فردا به محشر
۳۱. ضَرْبُ الْحَبِيبِ أَوْجَعُ.

ز دشمن گر رسد صدگونه آزار
چنان نبود که از محبوب یکبار
۳۲. إِيْمَانُ الْمَرْءِ يُعْرَفُ بِإِيْمَانِهِ.

هر آن کس را که ایمانش نه سست است
یقین می‌دان که ایمانش درست است
۳۳. بُكَاءُ الْمَرْءِ مِنْ حَشِيَّةِ اللَّهِ قُوَّةٌ عَيْنِهِ.

تو را از ترس باری گریه کردن
بود مانند نورچشم روشن
۳۴. لَا دِينَ لِمَنْ لَا مَرْوَةَ لَهُ.

مشو مایل به مرد بی مروت
که دین او ندارد هیچ قوت
۳۵. طُوبَى لِمَنْ لَا أَهْلَ لَهُ.

کسی کو را نه اهل است و اقارب
بیاسود از بسی رنج و متاعب
۳۶. جَلِيسُ السَّوِّ شَيْطَانٌ.

قرین بد بود مانند شیطان
ز شیطان کن حذر گر هستی انسان
۳۷. دَلِيلُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ.

خرد شد رهنمای هر خردمند
خردمندا ز عقلت باش خرسند
۳۸. طَلَبُ الْأَدَبِ خَيْرٌ مِنْ طَلَبِ الذَّهَبِ.

ز هر چیزی که می‌خواهی ادب به
ادب حقا که از کانِ ذهب به
۳۹. شَرُّ النَّاسِ مَنْ يَتَّقِيهِ النَّاسُ.

ز هر شخصی کز و باید تقیه
حذر کن کو بود شر البریه
۴۰. جَلَّ مَنْ لَا يَمُوتُ.

بزرگ است آن خدایی کو نمیرد
وزو خلق جهان مردن پذیرد

۵۳. بِعِ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ تَرْبِحَ.

برو بفروش دنیا را به عقبی

که سودی می‌کنی زین گونه سودا

۵۴. شِفَاءُ الْجَنَانِ فِي قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ.

کلام حق شفای درد دل‌هاست

نجات شدت از اولی و اخراست

۵۵. ضَرْبُ اللِّسَانِ أَشَدُّ مِنْ ضَرْبِ السِّنَانِ.

جراحت‌ها که از تیغ زبان است

بود بدتر ز جراحی کز سنان است

۵۶. عَدُوٌّ عَاقِلٌ خَيْرٌ مِنْ صَدِيقٍ جَاهِلٍ.

تو را هر دشمن دانای عاقل

به از یاری است بی‌تدبیر و جاهل

۵۷. مَنْ ظَنَّ بِكَ خَيْرًا فَصَدَّقْ ظَنَّهُ.

به تو هر کس که دارد ظنی احسان

به احسان ظنی او را راست گردان

۵۸. مَنْ نَظَرَ فِي عَيْبِ نَفْسِهِ اشْتَغَلَ عَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ.

نظر در عیب خود کردن توانی

کز آن از عیب مردم بازمانی

۵۹. مَنْ رَضِيَ بِرِزْقِ اللَّهِ لَمْ يَهْمَ عَلَيْهِ مَافَاتَهُ.

چو خشنودی بروزی مقدر

مشو غمگین ز فوت نقره و زر

۶۰. عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْنَطُ وَمَعَهُ الاسْتِغْفَارُ.

چو استغفار باشد باگنه کار

چرا نومیدیش باشد ز غفار

۶۱. مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْيَسِيرِ.

به اندک چیز راضی شد ز دنیا

کسی کاندیشه مرگ است او را

۶۲. أَحْسِنُ إِلَى الْمُسِيءِ تَسُدَّهُ.

تو را احسان به سوی ناکس بد

ز شرش دائماً محفوظ دارد

۶۳. وَحَدَّةُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوِّءِ.

تو را تنهایی وحدت همیشه

بهست از هم‌نشین زشت پیشه

۶۴. بَرَكَاتُ الْمَالِ فِي آدَاءِ الزَّكَاةِ.

بیفزاید زکات مال مال

وز آن نیکو شود بسیار حالت

۶۵. اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ.

تصدق بر همه درویش و مسکین

ز بالا آورد روزی به پایین

۶۶. مَنْ دَخَلَ مَدَاخِلَ السَّوِّءِ أُتِيهِمْ.

رهی کآن ره ممر اهل شر است

از آن بگذر که تهمت را مقرر است

۶۷. الْغَرِيبُ مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ حَبِيبٌ

نه هر دوری ز شهر خود غریب است

غریب آن نامراد بی‌حبیب است

۶۸. لَاحِئٌ فِي مُعِينٍ مُهِينٌ.

مجوی خیری از آن بد فهم نادان

که یاری کرد و خواری نیز با آن

۶۹. حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ.

حقوقی حق کن از اموال بیرون

کز آن مالت شود محروس و مأمون

۷۰. لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ.

امید جنت از داری عمل کن

به حسنی سیئات را بدل کن

۷۱. الْجُودُ حَارِسُ الْأَعْرَاضِ.

سخاوت حافظ عرض است و ناموس

ز احسان می‌شود ناموس محروس

۷۲. حَسَدُ الصَّدِيقِ مِنْ سَقَمِ الْمَوَدَّةِ.

صدیق از غایت سقم مودت

حسد خو باشد و مذموم خصلت

۷۳. مَنْ حَذَرَكَ كَمَنْ بَشَرَكَ.

ز شر دشمنان آگاه کردن

بود یکسان به چیزی مرزده بردن

۷۴. الصَّدِيقُ مَنْ صَدَقَ غَيْثُهُ.

صداقت با چنین کس می‌توان کرد

که درغیب تو عیبت را نهان کرد

۷۵. التَّنَاءُ فَوْقَ الاسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ.

ستایش فوق استحقاق ممدوح

خوش آمد باشد و مذموم و مقدوح^۱

۱. در نسخه گلبایگانی به جای آن بیت دیگری است: ستایش فوق استحقاق کردن / خوش [باشد و بیهوده گفتن.

۷۶. العفافُ زینةُ الفقْرِ.

فقیری کز عفاف آسایشی یافت
ز عفت فقر او آرایش یافت

۷۷. الحلم فِدامُ السَّفیهِ^۱

سفیهان را کند حلمت دهان بند
پس از حلمت همیشه باش خرسند

۷۸. لاقرینَ کحسَنِ الخُلُق.

حبیبی خوش‌تر از خلق نیکو نیست
انیس و صاحبی بهتر ازو نیست

۷۹. سَلْ عَنِ الرَّفِیقِ قَبْلَ الطَّرِیق.

رفیق و طلب آن‌گه سفر کن
سخن بشنو غرور از سربه‌در کن

۸۰. الشُّكْرُ زینةُ الغِنی.

ز شکر کردگار و حمد باری
بده آرایش ثروت که داری

۸۱. مَنْ كَسَاهُ^۲ الحِیاءُ تَوَبَّهُ لَمْ یَرَ النّاسَ [عِیْه].

حیا آن را که گردد کسوت او
شود پوشیده عیب و علت او

۸۲. إِضَاعَةُ الفُرْصَةِ غُصَّةٌ.

تو را اکنون که فرصت هست همدم
غنیمت دان که فوتش نیست جز غم

۸۳. لا وَرَعَ كَالوُقُوفِ عِنْدَ الشُّبُهَةِ.

گر از هر شبهه‌ای پرهیز داری
همین است غایت پرهیزکاری

۸۴. البُخْلُ عَارٌ.

بخیل از بخل خود خوار است و مذموم
همیشه در غم است و محنت آن شوم

۸۵. سَبَّتُهُ تَسْوُكٌ خَيْرٌ عِنْدَ اللّهِ مِنْ حَسَنَةِ تُعْجِبُكَ.

قیبچی کان تو را مقرون غم ساخت
به از خیری که آن در عجبند انداخت

۸۶. مَنْ عَمَلَ لِذِیْنِهِ كَفَاهُ اللّهُ أَمْرٌ دُنِیَاهُ.

به کار دین هر آن عاقل که پرداخت
خدا هم کار دنیایش نکو ساخت

۸۷. الدَّهْرُ یُخْلِیُ الأَبْدَانَ وَ یَجِدُّ الأَمَالَ^۳.

۸۸. صِحَّةُ الجَسَدِ مِنْ قِلَّةِ الحَسَدِ.

جسد را از حسد رنج است و محنت

ندارد بهره‌ای حاسد ز صحت

۸۹. مِنْ كَفَارَاتِ الذُّنُوبِ إِعَانَةُ المَلْهُوفِ.

ز یاری‌های غمگینان مضطر

شود عذر گناهانت میسر

۹۰. مَنْ لایُیَالِكُ^۴ فَهَوَّ عَدُوُّكَ.

صدیقی کو ز تو باکی ندارد

ادیب عاقلش دشمن شمارد

۹۱. لَوْ رَأَى العَبْدُ الأَجَلَ وَ مَسیرَهُ لِأَبْغَضِ الأَمَلِ وَ غُرُورَهُ.

اگر سیر اجل محسوس بودی

لواهای امل معکوس بودی

۹۲. العَفْوُ زکاةُ الظَّفَرِ.

اگر غالب شوی روزی به دشمن

زکاتش رحمت است و عفو کردن

۹۳. المُؤْمِنُ بِشَرِّهِ فِی وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِی قَلْبِهِ.

نشان مؤمنی این است ای جان!

که دل پر غم بود رخساره تابان

۹۴. لا تِجَارَةَ كَعَمَلِ الصّالِحِ.

به کردار جمیلت کن تجارت

که آن سود آورد باقی خسارت

۹۵. کُلُّ نَعِیمٍ دُونَ الجَنَّةِ مَحْقُورٌ.

نعیم این جهان در جنب جنت

محقر باشد و بی‌قدر و قیمت

۹۶. إِحْذَرِ الغَضَبِ فَانَّهُ جُنْدٌ مِنْ جُنُودِ إِبْلِیسَ.

حذر کن از غضب زنهار و می‌دان

که او حزبی است از احزاب شیطان

۹۷. اتَّقُوا مَعَاصِیَ اللّهِ فِی الخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشّاهِدَ هُوَ الحَاكِمُ.

به پرهیز از گناهان نهانی

که حاکم را بود سر عیانی

۱. در نسخه گلبایگانی متن روایت چنین است: الحلم قدام السفیة صدق. و این

باید تصحیف در نسخه باشد و آنچه در متن آوردیم در منابع روایی موجود

است و ترجمه منظوم نیز با آن سازگار است.

۲. نسخه گلبایگانی: كانَ.

۳. این حدیث در نسخه مرعشی موجود نیست و در نسخه گلبایگانی در ذیل

حدیث، ترجمه آن بدین صورت درج شده:

ز کسید روزگار... امل نوشد و شد کهنه ابدان

۴. نسخه گلبایگانی «لم ینالك» دارد که ظاهراً اشتباه از کاتب است.

۹۸. كُلُّ بَلَاءٍ دُونَ النَّارِ عَاقِبَةٌ.

سوا از دوزخت هر رنج و محنت همه روح است و ریحان است و راحت

۹۹. لِأَحْسَبَ كَالْتَوَاضِعِ.

ز هر فضلی که گویی از فضایل تواضع باشدت خیر الخصایل

۱۰۰. وَأَعَجَبًا أَتَكُونُ الْخِلَافَةَ بِالصَّحَابَةِ وَلَا تَكُونُ

بِالصَّحَابَةِ وَالْقَرَابَةَ.

خلافت را چرا باشد اجانب

سزاوار و احق از خویش و صاحب

تأمل کن در این شکوی خدا را

که دریابی مراد مرتضی را

چرا بیگانه‌ای باشد مقدم

به خویش و کامل و اتقی و اعلم

حزینی زین شکایت‌های دل سوز

ندارد جز غم و محنت شب و روز

از این مجمل مراد شاه مردان

ابوبکر و ابوحنیف است و عثمان^۲

تم بعون الله تعالی.

منابع احادیث

بیشتر احادیث رساله در نهج البلاغه و غررالحکم موجود است. آدرس‌های مربوط به نهج البلاغه از المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه مرحوم دشتی به دست آمد و ارجاعات به غررالحکم به استفاده از معجم الفاظ غرر به غررالحکم با ترجمه و شرح آقا جمال خوانساری و تصحیح محدث ارموی انجام شده است. برخی از احادیث این رساله نیز علی‌رغم رجوع به دو منبع مذکور و هم چنین استفاده از برنامه رایانه‌ای معجم فقهی و دیگر برنامه‌های رایانه‌ای مرکز دارالحدیث به دست نیامد. در برخی موارد متن حدیث در رساله حاضر به متن موجود در منابع اندک اختلافی داشت که متذکر شدیم.

۱. حدیث نیست.

۲. غررالحکم و درر الکلم آمدی، با ترجمه و شرح آقا جمال

خوانساری، تصحیح محدث ارموی، ۳۸/۳.

۳. غررالحکم، ۱۱۴/۵.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۱۱۱.

۵. غررالحکم، ۲۴۰/۵.

۶. همان، ۳۲۹/۱.

۷. همان، ۸۷/۳؛ آنما دنیا دار ممر و الآخرة دار مستقر....

۸. همان، ۱۲۰/۳؛ اذا تغيرت نية السلطان تغير الزمان.

۹. همان، ۵۱۴/۴.

۱۰. همان، ۱۱۷/۲.

۱۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۶: من أطال الأمل أساء العمل.

۱۲. در منابع یافت نشد.

۱۳. الکافی، ۳۱۳/۲: من دخله العجب هلك؛ الخصال، ۵۰۶:

العجب هلاك.

۱۴. غررالحکم، ۲۸۰/۴: ظلم الاحسان وضعه في غير موضعه.

۱۵. همان، شماره ۵۰۵۴: خف تأمن و لا تأمن فتخف؛ عيون الحكم

و المواعظ، ۲۴۲: خف الله يومنك و لا تأمنه يعذبك.

۱۶. یافت نشد.

۱۷. یافت نشد.

۱۸. غررالحکم، ۲۶۱/۳: بلاء الانسان في لسانه.

۱۹. یافت نشد.

۲۰. غررالحکم، ۴۵۷۲: تدارك في آخر عمرك ما أضعته في أوله

تسعه، بمنقلبك.

۲۱. همان، ۱۳۲/۴: سرور الدنيا غرور.

۲۲. یافت نشد.

۲۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱: مرارة اليأس خير من الطلب إلى الناس.

۲۴. غررالحکم، ۲۸۸/۳: توکل علی الله سبحانه فإنه قد تكفل.

۲۵. همان، ۲۶۰/۳.

۲۶. عيون الحكم و المواعظ، ۵۴۴: لا ذل أعظم من الطمع.

۲۷. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲۸. یافت نشد.

۲۹. تحف العقول، ۳۵ به نقل از پیامبر(ص).

۳۰. غررالحکم، ۲۷۲/۱.

۳۱. این عبارت در منابع روایی به دست نیامد، در مسکن الفؤاد،

ص ۸۶ و التحفة السنية، ص ۶۶ آمده است: ضرب الحبيب لا يوجع.

۳۲. نثر اللآلی، حدیث شماره ۱.

۳۳. یافت نشد.

۳۴. الکافی، ۱۹/۱ به نقل از امام کاظم(ع).

۳۵. یافت نشد.

۱. در نسخه گلبایگانی «ان تَكُونُ» درج شده که صحیح نیست.

۲. پنج بیت اخیر در نسخه مرعشی بوده و نسخه گلبایگانی، تنها بیت سوم را دربردارد.



٣٦. يافت نشد.
٣٧. الكافي، ٢٥/١: العقل دليل المؤمن.
٣٨. غررالحكم، ٢٥٣/٤: طالب الأدب أحزم من طالب الذهب.
٣٩. همان، شماره ٥٧٤٩.
٤٠. جامع البيان، ٤٥٠/٣٠: ان الله جل ثناؤه لا يموت.
٤١. نهج البلاغه، حكمت ١٧٠: ترك الذنب أهون من طلب المعونة.
٤٢. غررالحكم، شماره ٤٤٦٦: تفأل بالخير تنجح.
٤٣. يافت نشد.
٤٤. يافت نشد.
٤٥. يافت نشد.
٤٦. يافت نشد.
٤٧. غررالحكم، ٢٦٧/٣: بشر نفسك إذا صبرت بالنجح والظفر.
٤٨. عيون اخبار الرضا(ع) ١٥/١: السخي قريب من الله قريب من الجنة قريب من الناس بعيد من النار والبخيل بعيد من الجنة بعيد من الناس قريب النار.
٤٩. غررالحكم، ٦٢٧/٤ و ٦٣١: كفر النعمة مزيلها.
٥٠. يافت نشد.
٥١. غررالحكم، ١١٥/١: أخوك مواسيك في الشدة.
٥٢. همان، ٣٠٠/٢: اياك أن تذكر من الكلام مضحكاً.
٥٣. يافت نشد.
٥٤. الدر المنثور، ٣٠٨/٣: اقرأ القرآن يقول الله تعالى شفاء لما في الصدور.
٥٥. بحار الانوار، ٢٨٦/٧١.
٥٦. همان، ١٢/٧٨: عدو عاقل خير من صديق أحمق؛ غررالحكم، ٣٥١/٤: عداوة العاقل خير من صداقة الجاهل.
٥٧. همان، ٢١٩/٥: نهج البلاغه، نامه ٣١ و حكمت ٢٤٨.
٥٨. نهج البلاغه، حكمت ٣٤٩.
٥٩. همان: من رضي برزق الله لم يحزن على ما فاته.
٦٠. غررالحكم، ٣٣٧/٤: عجبت لمن يقنط و معه النجاة و هو الاستغفار.
٦١. همان، ٣٤٢/٥: من أكثر من ذكر الموت رضي من الدنيا بالكفاف.
٦٢. يافت نشد.
٦٣. غررالحكم، ٢٤٣/٦: وحدة المرء خير له من قرين السوء.
٦٤. بحار الانوار، ٢٦٨/٧٧: ياكمل البركة في المال من إيتاء الزكاة؛ تحف العقول، ١٧٢: ياكمل البركة في مال من أتى الزكاة.
٦٥. غررالحكم، ٢٤٠/٢: نهج البلاغه، حكمت ١٣٧.
٦٦. غررالحكم، ١٥٩/٥.
٦٧. همان، ٣١٥/١: الغريب من ليس له حبيب.
٦٨. نهج البلاغه، نامه ٣١.
٦٩. غررالحكم، ٤٠٥/٣.
٧٠. همان، ٣٣٢/٦.
٧١. همان، ٩١/١.
٧٢. همان، ٤١٢/٣: نهج البلاغه، حكمت ٢١٨.
٧٣. غررالحكم، ٣٠٢/٥.
٧٤. همان، ٣٠١/١: نهج البلاغه، نامه ٣١.
٧٥. نهج البلاغه، حكمت ٣٤٧: الثناء بأكثر من الاستحقاق ملق.
٧٦. همان، حكمت ٦٨ و ٣٤٠.
٧٧. غررالحكم، ٢٤٥/١.
٧٨. همان، ٣٦٤/٦.
٧٩. همان، ١٣٧/٤: سل الرفيق قبل الطريق.
٨٠. نهج البلاغه، حكمت ٦٨ و ٣٤٠.
٨١. همان، حكمت ٢٢٣.
٨٢. غررالحكم، ٢٧٢/١.
٨٣. نهج البلاغه، حكمت ١١٣.
٨٤. همان، حكمت ٣.
٨٥. غررالحكم، ١٤١/٤.
٨٦. نهج البلاغه، حكمت ٤٢٣.
٨٧. غررالحكم، ٥٥/٢.
٨٨. همان، ٢٩/٦: من نهارات الذنوب العظام اغاثة الملهوف.
٨٩. همان، ٢٦١/٥.
٩٠. همان، ١١٤/٥: لورأيتم الأجل و مسيره لأبغضتم الأمل و غروره.
٩١. همان، ٩٧/١.
٩٢. همان، ٥٠٥/٢ و ٢٧٣/٣.
٩٣. همان، ٣٦٤/٦: لاتجارة كالعامل الصالح؛ نهج البلاغه، حكمت ١١٣.
٩٤. غررالحكم، ٥٣٢/٤.
٩٥. نهج البلاغه، نامه ٦٩: واحذر الغضب فإنه جند عظيم من جنود ابليس.
٩٦. غررالحكم، ٢٥٠/٢: اتقوا معاصي الخلوات فإن الشاهد هو الحاكم.
٩٧. همان، ٥٤٢/٤.
٩٨. نهج البلاغه، حكمت ١١٣.
٩٩. همان، حكمت ١٩٠.